لزوم بررسی تعدد قرائات در ذیل بحث از جوهره قرآن

در این مسیر مباحث متعددی پیش آمد. چیزی که در ابتدای بحث من تأکید داشتم این بود: بهطور جزمی هم عرض کردم. گفتم من خیالم میرسد و ممکن نیست مباحث تحریف قرآن و روایاتی که در این باب بسیار زیاد است، سر برسد. ممکن نیست این مباحث بهطور اطمینان بخش و قانعکننده سر برسد مگر اینکه قبل از آن و همراه با بحث تحریف، روایات و آیات و مطالبی که راجع به جوهره قرآن کریم است بحث شود. ما ببینیم این همه روایاتی که میگویند قرآن به این صورت است، چه هستند و بشناسیم که قرآن چیست که این همه روایات راجع به آن هست. ما این مسیر را رفتیم. جلسات متعددی راجع به اینکه قرآن چیست جلو رفتیم. ریخت آن

همین کلام متعارف بشر است که همه میگویند؟! «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ[1]»؛ همین میسر

بودنش کافی است؟! ای نه، «یسّرنا القرآن»؟! «انه لقرآن کریم في كِتابٍ مَكْنُونٍ[2]» اول این است و بعد «یسّرنا». این مطلب خیلی مهمی بود. بعد از اینها به نکات خیلی مهمی رسیدیم. یکی از آنها نکتهای بود که به عنوان یک نظریه تفسیری مطرح شده بود که بعداً دیدیم نظریه تفسیری نیست بلکه نظریه سعید بن علاقة ابو فاختة بود که ایشان در مورد حروف مقطعه گفته بودند.

---

[1] القمر ۱۷

[2] الواقعه ۷۸

بازبینی #3
ایجاد شده 11 مارس 2024 17:01:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مارس 2024 17:29:13 توسط ... .